

مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوهای غذایی شهروندان تهرانی

محمد مهاجری^۱ابوالقاسم حیدرآبادی^{۲*}علی رحمانی فیروزجاه^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

چکیده

تغییرات اجتماعی و اقتصادی در سطوح و ابعاد مختلف، تغییرات عمده‌ای را در سبک زندگی افراد جامعه ایجاد کرده است. انتخاب غذا مسئله‌ای چندوجهی، پویا، زمینه مند، چند سطحی، هماهنگ و یکپارچه و درعین حال متنوع است. پایگاه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن‌ها، از جمله متغیرهای مربوط به مصرف غذا هستند. در این مقاله به بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب غذای شهروندان تهرانی با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه پرداختیم. به این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای پرسشنامه‌ای میان ۳۸۴ نفر از شهروندان تهرانی بالای ۱۵ سال توزیع شد و براساس نتایج به‌دست آمده، ۵۵/۷ درصد شهروندان تهرانی دارای سرمایه اجتماعی متوسط، ۲۸/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و همچنین ۱۵/۴ درصد آنان نیز دارای سرمایه اجتماعی کم هستند. همچنین ۶۰/۲ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اقتصادی کم، ۳۰/۷ درصد دارای سرمایه اقتصادی متوسط و ۹/۱ درصد شهروندان تهرانی نیز دارای سرمایه اقتصادی زیاد هستند. همچنین از نظر طبقه اجتماعی نتایج نشان داد، ۵۴/۴ درصد شهروندان دارای طبقه اجتماعی متوسط، ۳۲/۳ درصد دارای طبقه اجتماعی پایین و ۱۳/۳ درصد هم دارای طبقه اجتماعی بالا هستند. نتایج مدل معادلات ساختاری همچنین نشان داد؛ میزان سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و طبقه اجتماعی افراد در انتخاب الگوی غذایی آنان مؤثر است، به‌گونه‌ای که افراد با سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی بیشتر و طبقه اجتماعی بالاتر، الگوی غذایی سالم‌تری را انتخاب کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، الگوهای غذایی، شهر تهران.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۱. مقدمه

سرمایه، یک منبع کلی است که افراد، گروه‌های اجتماعی و نهایتاً کل جامعه از آن استفاده می‌کنند تا هدف‌های خود را تحقق بخشند. این یعنی ابزارهایی که فرد، گروه یا نهاد اجتماعی برای رسیدن به هدف‌هایش از آن‌ها استفاده می‌کند؛ بنابراین براساس نظر بوردیو^۱ می‌توان گفت؛ سرمایه هر آن چیزی است که در عرصه‌ی خاصی اثرگذار بوده و بتوان با مشارکت و رقابت در آن سودی را تحصیل نمود (استونز^۲، ۲۰۱۷). او سرمایه را به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌کند:

۱- سرمایه‌ی اقتصادی: که شامل ثروت، پول و ... است.

۲- سرمایه‌ی اجتماعی: منابع واقعی و بالقوه که شبکه‌ی پایداری از روابط نهادینه‌شده برای آشنایی و شناخت متقابل را به خدمت می‌گیرد.

۳- سرمایه‌ی فرهنگی: آموزش‌های شخص (دانش و مهارت‌های فکری) که برای دستیابی به جایگاه اجتماعی بالاتر در جامعه مزیت ایجاد می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۶).

پژوهش‌گران تلاش کردند تا با استفاده از دو بعد مهم نظریه‌ی سرمایه‌ی بوردیو به تبیین وضعیت الگوی غذایی شهروندان تهرانی بپردازند. ایشان دو بعد سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی اقتصادی را در این پژوهش سنجیده و ارتباط آن با الگوی غذایی شهروندان تهرانی را مشخص کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش نیز همین موضوع است.

از دیگر اهدافی که پژوهش‌گران برای رسیدن به آن طی این تحقیق تلاش نموده‌اند بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و اقتصادی شهروندان تهرانی است. این دو عامل به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی این پژوهش در نظر گرفته شده است؛ اما هدف دیگر شناخت الگوهای غذایی شهروندان تهرانی است.

مردم، مواد مغذی و غذاها را به‌صورت جداگانه مصرف نمی‌کنند بلکه ترکیبی از آن‌ها را دریافت کرده که می‌توانند با یکدیگر تداخل داشته یا اثر هم‌افزایی بر روی هم داشته باشند که بر قابلیت دسترسی و جذب آن‌ها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر آن ارتباط قوی بین غذاها و مواد مغذی مختلف وجود دارند و غذاها به‌صورت ترکیب با یکدیگر خورده می‌شوند (شولتسه^۳ و هوفمن^۴، ۲۰۰۶) و این را الگوی غذایی می‌نامیم؛ اما چرا الگوی غذایی اهمیت دارد؟ شاید پاسخ به این سؤال بتواند پاسخ به این موضوع باشد که چرا اصولاً این پژوهش اهمیت دارد. اهمیت شناخت و بررسی الگوی غذایی را به انحاء مختلف تبیین کرده‌اند. هوفمن و همکاران (۲۰۰۴) آن را پیچیدگی‌های خوراک و نشان‌دهنده‌ی تصویر روشن و

1. Pierre Bourdieu
2. Rob Stones
3. Matthias B Schulze
4. Kurt Hoffmann

واضحی از رژیم غذایی افراد، بارکوکیس^۱ (۲۰۰۷) ضمن برشمردن علت اهمیت شناخت الگوی غذایی که به نظر او درک و تحلیل راحت‌تر رژیم‌های غذایی برای مردم و متخصصان و تبیین اثر رژیم‌های غذایی در غالب الگوهای غذایی برای افراد است بیان می‌دارد که غالباً مردم به علت اینکه غذایی مواد مغذی دارد (اثربخش و سلامت آفرین است) غذا را مصرف نمی‌کنند. می‌توان نظر او را این‌گونه و جامعه‌شناسانه بیان کرد که برای مردم عواملی دیگر (علاوه بر مغذی بودن و سلامت بخش بودن) در انتخاب غذا مهم است و این عوامل در ایجاد الگوی غذایی خاصی مؤثر است و این هدف نهایی این پژوهش را مشخص می‌کند. الگوهای غذایی در فرهنگ‌ها، نژادها، جنسیت‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف با هم متفاوت‌اند (ویلر^۲، ۲۰۱۳). الگوی غذایی یک پدیده چندوجهی است که عوامل مختلف فیزیولوژیکی، کشاورزی، صنعتی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بر آن تأثیرگذار هستند (ناسکا^۳ و همکاران، ۲۰۰۶).

سؤال اصلی:

آیا سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند بر انتخاب الگوی غذایی شهروندان تهرانی مؤثر باشند؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهشگران در این حوزه تحقیقی در ایران یا دیگر کشورها به موضوع جامعه‌شناسی غذا پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی را در موقعیت‌های مکانی و اجتماعی مختلف انجام داده‌اند که از آن جمله می‌توان به خواجه‌نوری و کوچانی اصفهانی (۱۳۹۵) اشاره کرد که آن‌ها در پژوهش خود با عنوان «سرمایه فرهنگی و مصرف غذاهای مدرن و سنتی» به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مصرف غذاهای مدرن و سنتی با روش پیمایش در شهر شیراز پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای جنسیت، تأهل، سن و درآمد و همچنین سرمایه اجتماعی در تبیین مصرف غذا اهمیت دارد. معصومه باقری و همکاران (۱۳۹۵) هم به «بررسی اثر عامل جهانی شدن بر دگرگونی الگوی تغذیه در بین دانش‌آموزان بوشهر» پرداختند و نتایج نشان دادند که جهانی شدن بر تغییر الگوی تغذیه‌ی دانش‌آموزان مؤثر بوده و اغلب مؤلفه‌های جهانی شدن از قبیل میزان استفاده از اینترنت، تبلیغات رسانه‌ای، مدگرایی، گروه همسالان با تغییر الگوی تغذیه رابطه معناداری دارند. محمدباقر علیزاده اقدام (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذای شهروندان تبریزی» به بررسی چگونگی سبک غذایی مردمان ساکن در تبریز پرداخته است. او عوامل اجتماعی و ساختاری اثرگذار بر سبک غذایی را بررسی کرده است. او نشان داد مردم تبریز بیشتر پرهیز

1. Hope Barkoukis
2. Walter C. Willett
3. A. Naska

از غذاهای مضر را در دستور کار خود دارند تا استفاده از غذاهای سالم. نوابخش و مثنی (۱۳۹۰) هم در تحقیق خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی تحولات تغذیه در جوامع معاصر» به بررسی این موضوع پرداختند. ایشان نشان دادند که عادات تغذیه تحت تأثیر عواملی چون فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اهرم‌های اجتماعی است. در میان پژوهشگران خارجی هم می‌توان به پریانکا جایاشانکار^۱ و راجو^۲ (۲۰۲۰) اشاره کرد که در مقاله با عنوان «تأثیر انسجام اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بر درک میزان دسترسی به مواد غذایی در بین مصرف‌کنندگان کم‌درآمد^۳» به این پرسش که چگونه عوامل اجتماعی (انسجام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی) بر مصرف‌کنندگان کم‌درآمد و برداشت آن‌ها از دسترسی به مواد غذایی تأثیر می‌گذارد، پاسخ داده است. براساس یافته‌های این پژوهش، مصرف‌کنندگان کم‌درآمد میزان بالاتری از در دسترس بودن مواد غذایی را گزارش می‌کنند و انسجام اجتماعی و اعتماد به نفس به عنوان تعدیل‌کننده در دسترسی به مواد غذایی عمل می‌کنند. جیامین^۴ و همکاران (۲۰۲۰) هم در تحقیقی با عنوان «تأثیر وبلاگ نویسان غذا بر تصمیم‌گیری در مورد انتخاب مواد غذایی بزرگسالان در مالزی^۵» به این نتیجه رسیدند که سودمندی، اعتماد به نفس و شهرت ادراک شده خوانندگان وبلاگ‌های غذا با تصمیم‌گیری آن‌ها در مورد انتخاب مواد غذایی به‌ویژه در میان نوجوان ارتباط مستقیمی دارد. بشوف^۶ و همکاران (۲۰۲۰) هم در پژوهشی با عنوان «زنان برنج و موز بیشتری می‌خورند: تأثیر جنس و مهاجرت بر انتخاب غذای اصلی در شرق آفریقا^۷» با مصاحبه عمیق از زنان و مردان مهاجر به این نتیجه رسیدند که با وجود تفاوت‌های جنسیتی، وضعیت مهاجرت بر نوع و تنوع محصولات اصلی غذایی مورد انتخاب تأثیرگذار بوده است. ویلیس^۸ و فیتزپاتریک^۹ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «نالمنی غذایی و سرمایه اجتماعی در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی^{۱۰}» به این نتیجه رسیدند که شاخص‌های مختلف سرمایه اجتماعی حتی پس از کنترل عوامل متعدد جامعه‌شناختی و وضعیتی، با عدم امنیت غذایی رابطه معنی‌داری دارند. داد^{۱۱} و برک^{۱۲} (۲۰۱۳) با بررسی موضوع «تأثیر ارزش‌های اخلاقی و انگیزه‌های انتخاب مواد

1. Priyanka Jayashankar
2. Sekar Raju
3. The effect of social cohesion and social networks on perceptions of food availability among low-income consumers
4. Janice Ng Jia Miin
5. The Effect of Food Blogger's Reviews on Young Adults' Food Choice Decision in Malaysia
6. Aurélie Bechoff
7. Women Eat More Rice and Banana: The Influence of Gender and Migration on Staple Food Choice in East Africa
8. Don E. Willis
9. Kevin M. Fitzpatrick
10. Food Insecurity and Social Capital Among Middle School Students
11. Kylie Dowd
12. Karena Jane Burke

غذایی بر اهداف خرید غذاهای دارای منابع پایدار^۱، گزینه‌های غذایی پایدار را براساس انگیزه‌های سلامتی و اخلاق در استرالیا مورد توجه قرار داد و متوجه شدند؛ نگرش و هویت مثبت اخلاقی، انگیزه‌های انتخاب غذا را شکل می‌دهد.

۳. مبانی نظری و مدل مفهومی

براساس نظر ویلز^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، طبقه اجتماعی نقش مهمی در ساختن و بازسازی الگوهای غذایی بازی می‌کند. آن‌ها با استفاده از رویکرد بوردیو در زمینه میدان^۳ و عادت‌واره^۴، به غذا و تجارب غذایی به عنوان عدسی‌ای نگریسته‌اند که از طریق آن دقیق‌تر می‌توان به گستره طبقاتی و اجتماعی زندگی خانواده نگریست. از نظر آن‌ها، تأثیر طبقه از طریق عادت‌واره تجسم می‌یابد و از این رو، عدسی مناسبی برای تحلیل کنش‌های طبقاتی مرتبط با تغذیه و غذا است، عادت‌واره، نقش‌بندی از زمینه اجتماعی و فرهنگی است که معمولاً ناآگاهانه و بدون تأمل، رفتارهای تغذیه‌ای را نیز شکل می‌دهد. سرمایه اقتصادی، آزادی عمل بیشتری را برای انتخاب نوع و میزان غذا در اختیار دارندگان این نوع سرمایه قرار می‌دهد (سوبال^۵ و بیسوینی^۶، ۲۰۰۹). عادت‌واره نوعی آمادگی عملی، آموختگی ضمنی، فراست، تربیت‌یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها و دیگر امور حوزه‌ی خاص خود (حوزه علمی، اقتصادی، ورزشی، هنری، سیاسی ...) را دریابد، درون آن پذیرفته شود، جا بیفتد و منشأ اثر شود (بوردیو، ۱۹۹۴). از دیگر سواصول مشترکی را که همه برای ترجیح خوراک خوشمزه‌تر، نوشیدنی گواراتر، ورزش مناسب‌تر، ... دارند را به‌صورتی متفاوت اعمال کند (بوردیو، ۲۰۰۰).

بنابراین با توجه به اینکه هر موقعیت در فضای اجتماعی دارای عادت‌واره‌های خاص خودش است، پس عادت‌واره‌ها هم به مانند مواضع و موقعیت‌های اجتماعی که مولد آن‌هاست، تفاوت یافته و ایجاد تفاوت کنند (بوردیو، ۱۹۹۴). براساس تعریف بوردیو یک میدان، عرصه‌ای اجتماعی است که در آن مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر کسب منابع و منافع معین و دسترسی به آن‌ها صورت می‌گیرد (جنکینز^۷، ۲۰۰۷). از نظر بوردیو، میدان عرصه نبردها، کشمکش‌ها و رقابت‌ها است: میدان مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع

1. The influence of ethical values and food choice motivation on intentions to purchase sustainably sourced foods
2. Wendy Wills
3. Field
4. Habitus
5. Jeffery Sobal
6. Carole A Bisogni
7. Richard Jenkins

سرمایه‌ها به کار می‌رود و برای آن‌ها مایه گذاشته می‌شود؛ اما زمینه قدرت (سیاست) از همه مهم‌تر است. سلسله‌مراتب روابط قدرت و زمینه سیاسی، ساختار همه زمینه‌های دیگر را تعیین می‌کند (ریتزر^۱، ۲۰۰۳).

پایگاه اجتماعی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای تغذیه‌ای و انتخاب غذا است. پایگاه اجتماعی در معنای وبری آن، جنبه‌ای از موقعیت سلسله‌مراتبی در درجه‌بندی اجتماعی ناشی از قراردادهای فرهنگی مستقر (باورهای سنتی و باور داشت‌های عمومی) در جامعه است که متفاوت از طبقه (موقعیت سلسله‌مراتبی در درجه‌بندی اقتصادی) و تعلق حزبی (موقعیت قدرت اقتدار در سلسله‌مراتب نظم سیاسی یا سازمانی) است. از این منظر، موقعیت فرد در سلسله‌مراتب اجتماعی بر توزیع نابرابر ارزش (احترام) و شانس‌های زندگی به همراه این موقعیت دلالت دارد (ترنر^۲، ۲۰۱۲).

بحث از تفاوت‌های طبقاتی و جایگاه اجتماعی در حوزه تغذیه، یکی از مباحث مهم در نظریات بوردیو نیز بوده است (دلینی^۳ و پیسکوپو^۴، ۲۰۰۴). از نظر بوردیو (۲۰۰۰) برای درک کامل انتخاب‌های غذایی، مجموعه پیچیده‌ای از عوامل باید مورد توجه قرار گیرند. به نظر وی سبک غذایی که افراد علاقه‌مند در پی آن هستند، بی‌تردید معرف مناسبی برای ارائه تصویر دلخواه، با ممانعت از ارائه تصویر غیر دلخواه، از خویش به دیگران است و از این رو ترجیحات غذایی می‌تواند انعکاسی سامانمند از موقعیت فرد در سلسله‌مراتب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود.

توزیع سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده‌ی موقعیت طبقاتی عینی فرد در نظام اجتماعی است. به عبارت دیگر، ساخت طبقاتی از طریق ترکیب انواع این سرمایه‌ها به وسیله گروه‌ها روشن می‌شود. طبقات بالا بیشترین میزان سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را دارند. طبقه متوسط مقدار کمتری از این انواع را در اختیار دارد و طبقه پایین کمترین مقدار این ترکیب از منابع را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد (ترنر^۵، ۲۰۰۳).

ساخت طبقاتی یک سلسله‌مراتب ساده نیست، بلکه در درون هر یک از طبقات شاخه‌های گوناگونی وجود دارد که در درجه اول مربوط به ترکیب انواع سرمایه و در درجه دوم مربوط به منشأ سرمایه و مدت‌زمانی می‌شود که فرد این ترکیب را در اختیار داشته است. ترنر تصویر شاخه‌های سه طبقه را ترسیم می‌کند. شاخه بالا در هر طبقه، بیشترین میزان سرمایه اقتصادی و شاخه پایین، بیشترین سرمایه فرهنگی و نمادین (به‌طور مثال،

1. George Ritzer
2. Johnathan Turner
3. Colleen Delaney
4. Barbara Piscopo
5. Johnathan Turner

ایدئولوژی از نوع مربوط به طبقه پایین) را داراست. بخش میانی میزان متوسطی از سرمایه اقتصادی، فرهنگی و نمادین را در اختیار دارد. شاخه بالا بخش مسلط در هر طبقه و شاخه پایین، بخش زیر سلطه است و بخش میانی، موقعیت پست‌تری نسبت به طبقه بالا و موقعیت برتری نسبت به طبقه پایین دارد. در ضمن شاخه‌ها در کشمکش برای دستیابی به منابع و مشروعیت بخشیدن به خودشان کوشش می‌کنند. آن‌ها گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورند تا از آن طریق به سرمایه اجتماعی دست یابند، اما توانایی آن‌ها برای ساختن چنین شبکه‌هایی محدود است و تحت تأثیر دیگر اشکال سرمایه‌ای هستند که در اختیار دارند (ممتاز، ۱۳۸۳).

بورديو بر این اعتقاد نیست که طبقات همانند گروه‌ها هستند، بلکه با استفاده از مفهوم مارکس در مورد طبقه در خود و طبقه برای خود، اظهار می‌دارد که تحت تأثیر شرایط، محیط‌های واقعی و اجتماعی خاص می‌توانند تبدیل به گروه شوند، یعنی زمانی که نسبت به وجود و قابلیت‌های خود آگاهی کسب می‌کنند. برای وقوع چنین امری تجهیز سرمایه‌های مادی، فرهنگی و نمادین ضروری است. همچنین در بسیاری از موارد، سرمایه نمادین و تبدیل آن به ایدئولوژی که ترکیب‌هایی از منابع را مشروعیت می‌بخشد، سهم عمده‌ای دارند. به‌طور مثال، زمانی که روشنفکران و هنرمندان علاقه تجار را به پول و سرمایه مورد تحقیر قرار می‌دهند و آن‌ها را افرادی فاقد فرهنگ در نظر می‌گیرند، مورد تبدیل نمادها به ایدئولوژی را می‌بینیم که سعی می‌کنند با ایدئولوژی خود از تسلط مالکین ابزار تولید بکاهند (ترنر، ۲۰۰۳).

بحث‌های بورديو در مورد طبقه همیشه با مفهوم فرهنگ او گره خورده است. بورديو برای چگونگی مصرف فرهنگی اهمیت خاصی قائل است. بیشتر بحث‌های او پیرامون طبقه، شاخه‌های طبقاتی و شیوه زندگی دور می‌زند. در کتاب تمایزها او با انجام پیمایشی در جامعه فرانسه کوشش می‌کند یک مدل قابل استفاده در سطح هر جامعه قشربندی شده، ارائه دهد (ممتاز، ۱۳۸۳).

بورديو جامعه را (البته جامعه‌ی فرانسه‌ی زمان خود را به‌طور اخص) به سه طبقه‌ی اجتماعی بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌کند. همچنین پیر بورديو توضیح داد که چگونه رفتارهای بهداشتی و سبک زندگی ممکن است در معرض تمایز طبقاتی باشد. گروه‌های اجتماعی، اقتصادی طبقه‌ی بالا با اتخاذ شیوه زندگی سالم، خود را از گروه‌های پایین اقتصادی متمایز می‌کنند و گروه‌های اقتصادی پایین با رفتارهایی که به آن‌ها احساس آزادی از پیمان‌های اجتماعی می‌دهد، این کار را انجام می‌دهند (پامپل^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). بورديو (۲۰۰۰) نشان داد که چگونه گروه‌های اقتصادی بالا، خود را از گروه‌های اقتصادی و

اجتماعی پایین به وسیله ی «طعم» ویژگی‌های مختلف زندگی، از جمله موسیقی، هنر و آشپزی متمایز می‌کنند. وی اظهار می‌دارد که سلیقه از طریق سرمایه فرهنگی، یک منبع غیرمادی است که در طول دوره زندگی انباشته می‌شود، توسعه می‌یابد. اگرچه سلیقه به سرمایه اقتصادی نیز پیوند دارد، اما عمدتاً به سرمایه فرهنگی مربوط می‌شود، زیرا سلیقه پایدار می‌ماند، همچنین وقتی درآمد افراد با گذشت زمان افزایش می‌یابد، در نتیجه منعکس‌کننده برخی از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است (بلازیوس^۱ و فریدریکس^۲، ۲۰۰۸).

هنر خوردن و آشامیدن یکی از معدود فضاهایی است که طبقات کارگر به‌صراحت هنر مشروعیت زندگی را به چالش می‌کشند. خوردن و آشامیدن به‌عنوان یک امر نمادین بوده که عدم وجود آن ممکن است باعث سستی و ضعف در شخصیت شود (بورديو، ۲۰۰۰). بورديو سپس این استدلال را مطرح کرد که سلايق طبقه اجتماعی توسط عادت طبقاتی شکل می‌گیرد. از نظر بورديو، تنها کالای مصرفی مهم نیست، بلکه قدرت نمادین ترجیحات ذائقه، فضای موقعیت‌های اجتماعی را به شکلی که از لحاظ جنسیت و طبقه اجتماعی متفاوت باشد، از بین سایر ابعاد، تقویت می‌کند (پاچوکی^۳، ۲۰۱۴).

۳-۱. تعاریف مفهومی و عملیاتی

سبک مصرف غذایی: آنچه مردمان در طول زمان مشخص از غذا - به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی که از فرهنگ، محیط اجتماعی و فیزیکی متأثر است - مصرف می‌کنند (مایر^۴ و نیکوژا^۵، ۱۹۷۸؛ نیکوژا و ویتکفسکی^۶، ۱۹۷۵؛ پارسونز^۷ و اسملسر^۸، ۲۰۰۵؛ ریزمن^۹ و همکاران، ۲۰۰۱؛ وبلن، ۱۹۷۴؛ ویزوده^{۱۰}، ۱۹۷۲).

سرمایه‌ی اقتصادی: که شامل ثروت، پول و ... است. سرمایه‌ی اجتماعی: منابع واقعی و بالقوه که شبکه‌ی پایداری از روابط نهادینه‌شده برای آشنایی و شناخت متقابل را به خدمت می‌گیرد (بورديو، ۱۹۸۶).

تعریف عملیاتی الگوی غذایی: سازمان ملل در کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۵، امنیت غذایی را «عرضه کافی مواد غذایی اساسی در جهان و در تمام زمان‌ها به‌نحوی که موجب افزایش یا ثبات مصرف و جبران نوسان‌های تولید و قیمت شود» تعریف کرده است (سازمان

1. Jörg Blasius
2. Jürgen Friedrichs
3. Mark C. Pachucki
4. Robert Nathan Mayer
5. F. M. Nicosia
6. T. H. Witkowski
7. Talcott Parsons
8. Neil Smelser
9. David Riesman
10. Günter Wiswede

ملل^۱، (۱۹۷۴). الگوهای غذایی در فرهنگ‌ها، نژادها، جنس‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف با هم متفاوت‌اند (ویلِت^۲، ۱۹۹۸). الگوی غذایی یک پدیده چندوجهی است که عوامل مختلف فیزیولوژیکی، کشاورزی، صنعتی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بر آن تأثیرگذار هستند (ناسکا^۳ و همکاران، ۲۰۰۶). تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای دو روش متفاوت شناسایی الگوهای غذایی به‌شمار می‌روند که هر کدام الگوهای غذایی با ترکیبات مختلف را شناسایی می‌کنند (کانت، ۲۰۰۴). به‌طور کلی کارشناسان تغذیه سه نوع الگوی غذایی را دسته‌بندی کرده‌اند که عبارت‌اند از الگوی غذایی سالم که غنی از ماکیان، لبنیات کم‌چرب، لبنیات پرچرب، سبزیجات کلمی، سبزیجات زرد، سبزیجات برگ سبز، سایر سبزیجات، حبوبات، غلات کامل، ماهی، زیتون، میوه است. الگوی غذایی غربی که در آن مصرف گوشت احشاء، مارگارین، قهوه، خشکبار، شیرینی و دسر، چاشنی‌ها، نوشابه، گوشت قرمز، گوشت فرآوری شده بالاتر است و الگوی غذایی سنتی که غنی از تخم‌مرغ، چای، آب‌میوه، غلات تصفیه‌شده، مغزها، ترشی، روغن جامد، روغن مایع، قند و شکر، نمک، ادویه‌جات است (فلاحی و عنبری، ۱۳۹۱)؛ بنابراین برای شناسایی الگوی غذایی افراد، بسامد غذایی هر یک از مواد غذایی الگوهای مختلف در هفته به‌صورت طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای اندازه‌گیری شده است. توجه به الگوهای غذایی که پیچیدگی‌های دریافت‌های غذایی را دربرمی‌گیرد، تصویر مناسبی از رژیم غذایی و عادات تغذیه‌ای افراد جامعه ارائه می‌کند (هافمن^۴، ۲۰۰۶).

تعریف عملیاتی سرمایه‌ی اقتصادی: در این پژوهش متغیر سرمایه‌ی اقتصادی با موارد زیر موردسنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته است: شاغل بودن پاسخگو یا پدر او، میزان درآمد ماهیانه خانواده، قیمت خانه‌ی آن‌ها، قیمت تقریبی واحد مسکونی نوساز در محل سکونت و تعلق ذهنی طبقاتی.

تعریف عملیاتی سرمایه‌ی اجتماعی: سه مؤلفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت در کارهای گروهی به‌عنوان سرمایه‌ی اجتماعی در این پژوهش موردبررسی و سنجش قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی بوده و در آن از روش پیمایشی استفاده شده است. علاوه‌بر آن در این پژوهش برای دریافت صحیحی از مفاهیم اصلی و فرعی از روش‌های دیگر از جمله روش میدانی و کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل

1. United nations
2. Willett Walter
3. Naska
4. Hoffmann

تمامی شهروندان بالای ۱۵ سال مناطق شهر تهران است؛ که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در مجموع ۱۰۵۸۵۰۸۶ نفر هستند که از این میان ۵۲۹۶۸۶۱ نفر مرد و ۵۲۸۸۲۲۵ نفر نیز زن هستند؛ و تعداد حجم نمونه برحسب جدول کوکران برابر ۳۸۴ نفر بوده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ بدین‌صورت که ابتدا از بین ۲۲ منطقه شهر تهران، ۵ منطقه از شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران به‌صورت تصادفی انتخاب شده، سپس در مرحله دوم با انتخاب ۵ ناحیه از هر منطقه به‌صورت تصادفی و با استفاده از نقشه و متناسب با سهم هر منطقه براساس توزیع نسبی حجم نمونه، محله‌ها، کوچه‌ها و خانه‌ها با شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌های استخراج شده از پرسش‌نامه استفاده شد.

جدول ۱: تعداد نمونه و پرسشنامه‌های اختصاص یافته برای هر منطقه

شماره	نام منطقه	جمعیت منطقه	درصد جمعیت نسبت به شهر تهران	تعداد نمونه
۱	شمال	۲۸۱۶۷۳۷	۲۶/۶	۱۰۲
۲	جنوب	۱۹۶۶۰۸۱	۱۸/۵	۷۲
۳	غرب	۲۲۰۹۴۹۹	۲۰/۸	۷۹
۴	شرق	۱۵۹۹۷۹۰	۱۵/۳	۵۸
۵	مرکز	۱۹۹۲۹۷۹	۱۸/۸	۷۳
	جمع	۱۰۵۸۵۰۸۶	۱۰۰	۳۸۴

سپس پرسشنامه بین شهروندان بالای ۱۵ سال در هر ناحیه توزیع شد. در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته‌ای شامل ۱۱۳ سؤال براساس تعاریف مفهومی و عملیاتی استفاده شده است. برای بررسی پایایی پرسشنامه محقق‌ساخته از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که روشی برای محاسبه همبستگی درونی ابزار اندازه‌گیری به‌ویژه پرسشنامه است. برای سنجش صحت اندازه‌گیری، پرسشنامه تدوین‌شده بر روی یک نمونه کوچک ۳۸ نفری از جامعه موردنظر به‌صورت تصادفی آزمایش و مشخص شد؛ ضریب آلفای کرونباخ با ۰/۹۱ از اعتبار مناسبی برخوردار است.

جدول ۲: پایایی پرسشنامه

ردیف	شاخص متغیرهای پژوهش	اندازه آلفا قبل از اجرا N38	اندازه آلفا بعد از اجرا N384
۱	گویه‌های الگوی غذایی	۰/۷۵۰	۰/۷۵۴
۲	گویه سرمایه‌ی اجتماعی	۰/۹۰۳	۰/۸۷۸
	کل	۰/۹۱۲	۰/۸۸۸

برای سنجش متغیرها نیز از اعتبار سازه نظری^۱ استفاده شده است. در روش تحلیل عاملی، به آزمون میزان انطباق بین سازه نظری و تجربی تحقیق پرداخته شد که در رابطه با مقدار بسندگی کیزر-میراولکین^۲ (KMO)، نتایج تحلیل عاملی (۰/۵۹) است که حکایت از مناسب بودن داده‌ها و متغیرهای موردنظر آن دارد.

جدول ۳: نتایج تشخیص KMO و آزمون کرویت بارتلت

KMO	۰/۸۵۶
بارتلت	۲/۱۶۵
df	۳۵۱
Sig.	۰/۰۰۰

همچنین بارتلت آزمون با ($\text{sig} \leq 0.05$) معنادار است.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌ها و تحلیل توصیفی خصوصیات جامعه آماری و متغیرهای زمینه‌ای حاکی از آن است که از مجموع ۳۸۴ نفری که پرسشنامه پژوهش حاضر را پاسخ داده‌اند ۴۷/۴ درصد زن و ۵۲/۶ درصد مرد بوده‌اند. براساس اطلاعات از نظر وضعیت تأهل ۶۴/۶ درصد پاسخگویان متأهل، ۳۰/۲ درصد آنان مجرد، ۲/۹ درصد جدا شده و ۲/۳ درصد نیز همسرشان فوت شده‌اند. میانگین سن نمونه موردبررسی ۳۹/۳۰ سال و بیشترین فراوانی (نما) سن ۳۰ سال بوده است. همچنین پایین‌ترین سن ۱۵ سال و بالاترین ۷۵ سال بود. همچنین از نظر بومی بودن در شهر تهران، ۶۰/۲ درصد پاسخگویان از ابتدای تولدشان در تهران ساکن بوده‌اند. میانگین سال‌های سکونت نمونه موردبررسی در تهران ۲۲/۹۶ سال بوده و یک سال کمترین و ۷۵ سال بیشترین سال سکونت افراد موردبررسی در تهران اعلام شد. از نظر دین و مذهب، ۹۷/۲ درصد پاسخگویان مسلمان و ۲/۸ درصد آنان مسیحی و از میان ۳۷۳ نفر مسلمان ۹۶/۸ درصد شیعه و ۳/۲ درصد نیز اهل تسنن هستند.

از نظر وضعیت سلامت بررسی‌ها نشان داد که ۴۸/۲ درصد پاسخگویان دارای اضافه‌وزن، ۳۳/۲ درصد دارای وزن طبیعی، ۱۶/۳ درصد دچار چاقی و ۲/۳ درصد نیز دارای کمبود وزن بوده‌اند. درعین حال برخی از پاسخگویان از وضعیت سلامت خود اطلاعات کافی نداشته‌اند و نتایج نشان داد که ۷/۶ درصد پاسخگویان قد خود را نمی‌دانسته و ۲۵ نفر معادل ۶/۵ درصد نیز وزن خود را نمی‌دانسته‌اند. از نظر ابتلا به بیماری‌ها نتایج نشان داد که ۹/۱ درصد افراد مبتلا به فشار خون بودند و ۸۲/۶ درصد افراد مبتلا به فشار خون نیستند. همچنین ۸/۳ درصد نیز از وضعیت ابتلای خود به فشار خون مطلع نبودند. براساس یافته‌ها ۸۶/۵ درصد

1. Construct validity

2. Keirs-Meyer Olkin Measure of Sampling Adequacy

افراد مبتلا به چربی خون نیستند، ۶/۲ درصد افراد چربی خون داشتند، ۷/۳ درصد نیز از وضعیت ابتلای خود به چربی خون مطلع نیستند. همچنین ۶/۲ درصد افراد مورد مطالعه مبتلا به دیابت بوده، ۸۶/۵ درصد افراد دیابت نداشتند و ۷/۳ درصد نیز از وضعیت ابتلای خود به دیابت مطلع نیستند.

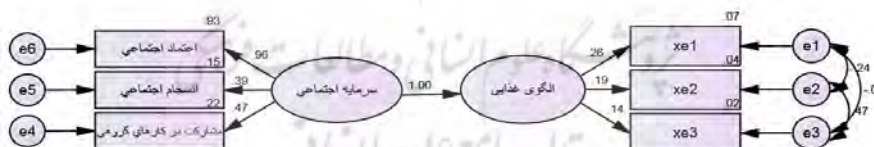
بررسی سبک زندگی پاسخگویان نشان داد که ۳۰/۵ درصد افراد سه بار یا بیشتر در هفته ورزش می‌کنند، ۱۷/۴ درصد دو بار در هفته، ۹/۶ درصد یک بار در هفته، ۱۲ درصد هر چند هفته یکبار ورزش می‌کنند و ۳۰/۵ درصد اصلاً ورزش نمی‌کنند.

به منظور تعیین الگوی غذایی با توجه به شیوه‌های صحیح مصرف، به هر یک از گزینه‌ها وزن داده شد و شاخص کل الگوی تغذیه به دست آمد. از نظر انتخاب الگوهای غذایی بررسی‌ها نشان داد که ۶۶/۴ درصد پاسخگویان الگوی غذایی سنتی، ۲۷/۹ درصد الگوی غذایی غربی و تنها ۵/۷ درصد پاسخگویان الگوی غذایی سالم دارند.

بررسی سرمایه اجتماعی نمونه مورد بررسی نشان داد که ۵۵/۷ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی متوسط، ۲۸/۹ درصد دارای سرمایه اجتماعی زیاد و خیلی زیاد و همچنین ۱۵/۴ درصد آنان نیز دارای سرمایه اجتماعی کم و خیلی کم هستند.

بررسی‌ها حاکی از آن است که از نظر سرمایه اقتصادی ۶۰/۲ درصد پاسخگویان دارای سرمایه اقتصادی کم و خیلی کم، ۳۰/۷ درصد دارای سرمایه اقتصادی متوسط و همچنین ۹/۱ درصد آنان نیز دارای سرمایه اقتصادی زیاد و خیلی زیاد هستند.

فرضیه شماره ۱: بین سرمایه‌های اجتماعی و انتخاب الگوی غذایی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۱: مدل معادله ساختاری رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی و انتخاب الگوی غذایی

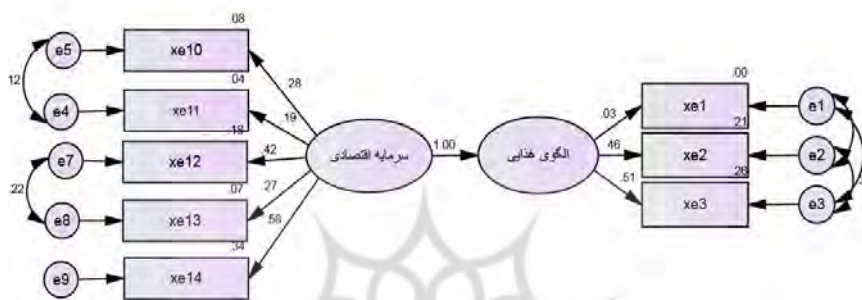
با توجه به اطلاعات جدول بالا می‌توان دریافت که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. علاوه بر این، میزان بتا به مقدار (۱/۰۰) نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر است. به این صورت فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول ۴: رابطه‌ی سرمایه‌های اجتماعی و الگوهای غذایی

سطح معنی‌داری	آزمون F	میانگین	الگوی غذایی
۰/۰۰۰	۱۹/۵۳۲	۶۰/۹۰	غربی
		۸۷/۶۳	سنتی
		۹۰/۴۴	سالم

نتایج نشان داد میانگین سرمایه‌ی اجتماعی در بین افرادی که الگوی غذایی غربی داشته‌اند برابر با ۶۰/۹۰، افراد با الگوی غذایی سنتی ۸۷/۶۳ و همچنین کسانی که الگوی غذایی سالمی دارند میانگین سرمایه‌ی اجتماعی آنان برابر با ۹۰/۴۴ است؛ بنابراین میزان سرمایه‌ی اجتماعی در انتخاب الگوی غذایی مؤثر است به‌طوری‌که افراد با سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر الگوی غذایی سالم‌تری را انتخاب کرده‌اند.

فرضیه شماره ۲: بین سرمایه‌ی اقتصادی و انتخاب الگوی غذایی رابطه معناداری وجود دارد.



شکل ۳: مدل معادله ساختاری رابطه بین سرمایه‌ی اقتصادی و انتخاب الگوی غذایی

با توجه به اطلاعات جدول بالا می‌توان دریافت که مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. علاوه بر این، میزان بتا به مقدار (۱/۰۰) نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین این دو متغیر است. به این صورت فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

جدول ۵: رابطه‌ی سرمایه‌ی اقتصادی و الگوهای غذایی

الگوی غذایی	میانگین	آزمون F	سطح معنی‌داری
غربی	۱۵/۶۳	۵/۱۲۲	۰/۰۰۶
سنتی	۱۶/۹۰		
سالم	۱۸/۴۵		

نتایج نشان داد میانگین سرمایه‌ی اقتصادی در بین افرادی که الگوی غذایی غربی داشته‌اند برابر با ۱۵/۶۳، افراد با الگوی غذایی سنتی ۱۶/۹۰ و همچنین کسانی که الگوی غذایی سالمی دارند میانگین سرمایه‌ی اقتصادی آنان برابر با ۱۸/۴۵ است؛ بنابراین میزان سرمایه‌ی اقتصادی در انتخاب الگوی غذایی مؤثر است به‌طوری‌که افراد با سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر الگوی غذایی سالم را انتخاب کرده‌اند.

فرضیه شماره ۳: بین متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، تأهل، شغل، تحصیلات) و انتخاب الگوی غذایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: آزمون خی دو جهت بررسی رابطه بین متغیرهای دموگرافیک (جنسیت، سن، تأهل، شغل، تحصیلات) و انتخاب الگوی غذایی

متغیرهای دموگرافیک	ضریب خی دو	سطح معناداری	ضریب همبستگی کندال
جنسیت	۲/۷۹۰	۰/۲۴۸	-
سن	۳۷/۴۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹
تأهل	۲۲/۹۶۲	۰/۰۰۱	۰/۰۶۰
شغل	۰/۲۰۲	۰/۹۰۴	-
تحصیلات	۱/۰۶۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۷

با توجه به جدول ۶ مشخص شد که با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در متغیرهای سن، تأهل و تحصیلات کوچک‌تر از میزان ۰/۰۵ است پس این متغیرها با انتخاب الگوی غذایی رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی‌ها شغل و جنسیت افراد در انتخاب الگوهای غذایی مؤثر نبوده است. با توجه به ضریب همبستگی کندال می‌توان ذکر کرد که تحصیلات اثر بیشتری از سن و تأهل بر انتخاب الگوی غذایی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش از منظر جامعه‌شناسی به تبیین الگوهای غذایی شهروندان تهرانی بالای ۱۵ سال پرداختیم. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که به ترتیب الگوی غذایی سنتی و الگوی غذایی غربی بیش از الگوی غذایی سالم در بین شهروندان تهرانی طرفدار دارد. مصرف بالای میان وعده‌های شور، سس‌های چرب، نوشابه‌های صنعتی، نسکافه، گوشت‌های فرآوری شده و غلات تصفیه‌شده باعث شده است که ۴۸/۲ درصد شهروندان تهرانی دارای اضافه‌وزن و ۱۶/۳ درصد دچار چاقی و چربی‌های شکمی هستند، اکثر شهروندان تهرانی ورزش نمی‌کنند و از وضعیت سلامت خود آگاهی مناسبی ندارند که تمامی این موارد از ریسک فاکتورهای دیابت و بیماری‌های قلبی و عروقی است. عدم توجه به سبک زندگی و سلامت در طولانی‌مدت هزینه‌های زیادی را به خانوارها و در سطح کلان به جامعه و بخش بهداشت و درمان تحمیل خواهد کرد؛ بنابراین این هزینه‌های سربار، امکان توسعه پایدار را به تأخیر خواهد انداخت.

وفق نظر بوردیو در این تحقیق مشخص شد انتخاب الگوهای غذایی در جامعه‌ی این تحقیق بر پایه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، اقتصادی و متغیرهای جمعیت‌شناختی است؛ یعنی هر کدام از ریز متغیرهای بالا می‌توانند بر اینکه فرد چه چیزی را بخورد اثرگذار باشد. افرادی که سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری دارند احتمالاً الگوی غذایی سالم‌تری دارند. البته باید توجه داشت که ممکن است این موضوع به میزان ارتباطاتی که افراد با سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر با یکدیگر دارند و اینکه در طی این ارتباط آن‌ها می‌توانند یافته‌های خود را

که از منابع مختلف و متفاوت گرد آورده‌اند - گرچه که ممکن است صحیح نباشد - به اشتراک بگذارند، برگردد. البته شاید این ارتباطات میان‌گروهی باعث شده است که به سبک‌های غذایی غربی هم گرایش پیدا شود. اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود به همین علت افراد با سرمایه‌ی اجتماعی بالا دارای اعتماد بیشتری به یکدیگر هستند و می‌توان نتیجه گرفت که این اعتماد باعث رواج یک یا چند نوع خاص از الگوی غذایی در این افراد شود که می‌توان با امتیاز میانگین بالایی که در این پژوهش یافته شده است، مرتبط دانست. دیده شده است که افراد با سرمایه‌ی اقتصادی بالا یا همان قشر مرفه به خاطر دسترسی به منابع مالی بهتر به غذاهایی بهتر دسترسی دارند تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که چاقی از بیماری فراگیر قشر مرفه در سال‌های دور به بیماری قشر ضعیف‌تر - از لحاظ مالی - تبدیل شده است، چراکه امروزه غذاهای آماده و ارزان‌قیمت عموماً غذاهای ناسالم و پرکالری هستند. در این پژوهش هم این مورد به تأیید رسید و حاصل شد که افراد مرفه‌تر تمایل به مصرف غذای سالم‌تری دارند.

طبعاً طبقه‌ی اجتماعی که حاصلی از برآیند سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی افراد است با تعیین الگوی غذایی در رابطه است. به نظر می‌رسد به خاطر وزن بیشتر مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اقتصادی در تعیین طبقه‌ی اجتماعی، شباهت زیادی بین رابطه‌ی طبقه‌ی اجتماعی و تعیین الگوی غذایی با رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اقتصادی وجود دارد. به همین علت دیده می‌شود که افرادی که در طبقه‌ی بالای اجتماعی قرار دارند از الگوی غذایی سالم بیشتر استفاده می‌کنند که مشابه وضعیت افرادی است که سرمایه‌ی اقتصادی بالا دارند.

از آنجایی که تولید و مصرف غذا بسیاری از بخش‌های جامعه را در برمی‌گیرد از کشاورزی تا فرآوری غذا، از رستوران تا خانه، از فرد تا گروه اجتماعی؛ بنابراین زمینه‌ی اجتماعی غذا موضوعی بسیار گسترده‌تر از آن است که یک‌رشته‌ی علمی با یک یا چند پژوهش آن را پوشش بدهد. آشکار است که نقش ایفا شده از طریق اجتماعی شدن در مصرف غذا و مفاهیم اجتماعی غذا برای سلامت بیشتر مربوط به مطالعه جامعه‌شناختی غذا و تغذیه است تا بازشناسی تفاوت‌های فرهنگی. آن‌گونه که پژوهش‌های گسترده جامعه‌شناسان گواهی می‌دهد جامعه‌شناسی غذا دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و بر دغدغه‌های جامعه‌شناختی مانند طبقه، جنسیت، محیط‌زیست و سیاست عمومی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود جامعه‌شناسان بیشتر به پژوهش‌های جامعه‌شناختی غذا و تغذیه بپردازند و سازمان‌های متولی در زمینه برنامه‌ریزی تغذیه از جمله وزارت بهداشت و غیره از پژوهش‌های جامعه‌شناسان حمایت مالی کرده و همچنین از نتایج این پژوهش‌های جامعه‌شناسانه در برنامه‌ریزی‌های خود بیشتر بهره ببرند.

این پژوهش نظر کوچانی‌اصفهانی و خواجه‌نوری (۱۳۹۵) را مبنی بر اینکه تأهل و سن بر انتخاب الگوی غذایی مؤثرند را تأیید و نظر ایشان را مبنی بر ارتباط جنسیت با انتخاب الگوی غذایی را تأیید نکرد. نظر مثنی و نوابخش (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه مسائل اجتماعی و اقتصادی بر انتخاب الگوی غذایی مؤثر است توسط این پژوهش تأیید شد. نظر بشوف و همکاران (۲۰۲۰) که جنسیت را بر انتخاب الگوی غذایی مؤثر ندانسته بودند توسط این تحقیق تأیید شد.

نتایج این پژوهش نشان داد که افراد با سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین از دانش تغذیه پایین‌تری برخوردار هستند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان‌های متولی تغذیه (وزارت بهداشت و غیره) از طریق رسانه‌ها به افزایش دانش تغذیه‌ای مردم همت بگذارند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت بهبود دانش بهداشتی و آگاه‌سازی از عوارض ناشی از مصرف غذاهای ناسالم به صورت دوره‌ای در مدارس و دانشگاه‌ها و حتی مهدکودک‌ها می‌تواند جایگاه مصرف غذاهای سنتی و توزیع این غذاها را ارتقاء بخشد. حذف تبلیغات غذاهای ناسالم و جایگزین کردن آن با تبلیغات مواد غذایی سالم به‌ویژه در برنامه‌های پربیننده مانند فیلم‌ها و سریال‌ها می‌تواند به بهبود مصرف غذا و سبک زندگی سالم کمک کرد (همان‌گونه که در برخی کشورها این اتفاق افتاده است). بومی‌سازی ارزش‌ها و نمادهای مدرن در راستای فرهنگ تغذیه داخلی با برنامه‌ریزی مسئولان کشوری، همسو جهت با ارزش‌های ملی و محلی باید مورد توجه جدی قرار گیرد. همخوان‌سازی و هماهنگی ارزش‌ها و مقررات از عوامل مؤثر در توزیع و انتخاب مواد غذایی سالم در جامعه خواهد بود. حال آنکه در سالیان متمادی این عمر در کشور مغفول مانده و به اجرای قوانین مرتبط با آن یا اهتمام جدی نشده یا اصلاح الگوی مصرف آن‌گونه که باید مطرح نشده است. باید تمایز میان سرمایه‌ی فرهنگی، اجتماعی به‌ویژه در سطوح بالا با مصرف غذاهای آماده و فوری ناسالم بیش‌ازپیش از سوی متصدیان به‌ویژه پژوهشگران و مسئولان اجرایی در امر سلامت و سبک زندگی سالم بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی افراد و طبقات جامعه دانش، با مصرف صحیح و سلامت تغذیه هم‌راستا باید افزایش یابد نه در جهت عکس آن. هر چند پایتخت اجتماعی متشکل از قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف کشور است اما پیشنهاد می‌شود؛ شهرها، اقوام و گروه‌های مختلف قومی و مذهبی کشور نیز به‌عنوان جامعه آماری، از نظر سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و سبک زندگی در تبیین جامعه‌شناختی انتخاب غذا مورد بررسی قرار گیرند تا قیاس جامع‌تری درباره یافته‌های موضوع این پژوهش به‌دست آید.

منابع

- باقری، معصومه، رضادوست، کریم، آوینی، محمود. و موالی‌زاده، الهه. (۱۳۹۵). «بررسی اثر عامل جهانی شدن بر دگرگونی الگوی تغذیه»، *توسعه اجتماعی*، ۴۰(۱۰)، ۷۶-۵۹.
- خواجانه‌نوری، بیژن. و کوچانی‌اصفهانی، مسعود. (۱۳۹۵). «سرمایه فرهنگی و مصرف غذاهای مدرن و سنتی»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۴۸(۱۳)، ۶۵-۵۲.
- علیزاده‌اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی»، *رفاه اجتماعی*، ۴۴(۱۱)، ۳۲۰-۲۸۵.
- فلاحی، ابراهیم. و عنبری، خاطره. (۱۳۹۱). «شناسایی الگوهای غذایی غالب در بزرگسالان ایرانی»، *مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، ۵۴(۵)، ۲۹-۳۹.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۳). «معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو»، *شناخت*، ۴۱-۴۲(۱۱)، ۱۴۹-۱۶۰.
- نوابخش، مهرداد. و مثنی، ابوزر. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی تحولات تغذیه در جوامع معاصر»، *علوم غذایی و تغذیه*، ۳۳(۸)، ۴۸-۳۳.
- Barkoukis, H. (2007). "Importance of understanding food consumption patterns". *Journal of the American Dietetic Association*, 107(2), 234-236. <https://doi.org/10.1016/j.jada.2006.12.024>
- Bechoff, A., Forsythe, L., Njau, M., Martin, A., Gaspar, A., Abass, A., & Tomlins, K. (2020). "Women Eat More Rice and Banana: The Influence of Gender and Migration on Staple Food Choice in East Africa". *Ecology of Food and Nutrition*, 1-19. <https://doi.org/10.1080/03670244.2020.1755278>
- Blasius, J., Friedrichs, J. (2008). "Lifestyles in distressed neighborhoods: A test of Bourdieu's "taste of necessity" hypothesis". *Poetics*, 36(1), 24-44. <https://doi.org/10.1016/j.poetic.2007.12.001>.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of Capital*. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education*. Greenwood Press.
- Bourdieu, P. (1994). *Raisons pratiques sur la théorie de l'action*. Editions du Seuil. <http://banq.pretnumerique.ca/accueil/isbn/9782021069235>
- Bourdieu, P. (2000). *Distinction: A social critique of the judgement of taste* (Reprint 1984 ed.). Harvard University Press.
- Delaney, C., Piscopo, B. (2004). "RN-BSN programs: Associate degree and diploma nurses' perceptions of the benefits and barriers to returning to school". *Journal for Nurses in Staff Development: JNSD: Official Journal of the National Nursing Staff Development Organization*, 20(4), 157-161; quiz 162-163. <https://doi.org/10.1097/00124645-200407000-00001>
- Dowd, K., Burke, K. (2013). "The influence of ethical values and food choice motivation on intentions to purchase sustainably sourced foods". *Appetite*, 69, 137-144. <https://doi.org/10.1016/j.appet.2013.05.024>.
- Hoffmann, K., Schulze, M. B., Schienkiewitz, A., Nöthlings, U., Boeing, H. (2004). "Application of a New Statistical Method to Derive Dietary Patterns in Nutritional Epidemiology". *American Journal of Epidemiology*, 159(10), 935-944. <https://doi.org/10.1093/aje/kwh134>.
- Jayashankar, P., Raju, S. (2020). The effect of social cohesion and social networks on perceptions of food availability among low-income consumers. *Journal of Business Research*, 108(C), 316-323.

- Jenkins, R. (2007). *Pierre Bourdieu* (Rev. ed., [reprinted]). Routledge.
- Jia Miin, J. N., Ahmad, R., Shamugam, G. A. (2020). "The Effect of Food Blogger's Reviews on Young Adults' Food Choice Decision in Malaysia". *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 24(02), 896-908. <https://doi.org/10.37200/IJPR/V24I2/PR200398>.
- Kant, AK. (2004). "Dietary patterns and health outcomes". *Journal of the American Dietetic Association*, 104, 615-635.
- Naska, A., Fouskakis, D., Oikonomou, E., Almeida, M. D. V., Berg, M. A., Gedrich, K., Moreiras, O., Nelson, M., Trygg, K., Turrini, A., Remaut, A. M., Volatier, J. L., Trichopoulou, A. (2006). "Dietary patterns and their socio-demographic determinants in 10 European countries: Data from the DAFNE databank". *European Journal of Clinical Nutrition*, 60(2), 181-190. <https://doi.org/10.1038/sj.ejcn.1602284>.
- Pachucki, M. C. (2014). "Food choices and peer relationships: Examining 'a taste for necessity' in a network context". *Sociologie et Societes*, 46(2), 229-252. <https://doi.org/10.7202/1027149ar>.
- Pampel, F. C., Krueger, P. M., Denney, J. T. (2010). "Socioeconomic Disparities in Health Behaviors". *Annual Review of Sociology*, 36, 349-370. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.012809.102529>
- Ritzer, G. (Ed.). (2003). *The Blackwell Companion to Major Contemporary Social Theorists* (1 edition). Wiley-Blackwell.
- Schulze, M. B., Hoffmann, K. (2006). "Methodological approaches to study dietary patterns in relation to risk of coronary heart disease and stroke". *British Journal of Nutrition*, 95(5), 860-869. <https://doi.org/10.1079/BJN20061731>.
- Sobal, J., Bisogni, C. A. (2009). "Constructing food choice decisions". *Annals of Behavioral Medicine*, 38(suppl_1), s37-s46.
- Stones, R. (2017). *Key Sociological Thinkers*. Macmillan Education UK.
- Turner, J. H. (2003). *The structure of sociological theory* (7th ed). Wadsworth Thomson Learning.
- Turner, J. H. (2012). *Theoretical Sociology: 1830 to the Present*. SAGE Publications, Inc.
- Willett, W. (2013). *Nutritional Epidemiology*. OUP USA.
- Willett, W. (1998). *Nutritional epidemiology*. 2nd ed. New York: Oxford University press
- Willis, D. E., Fitzpatrick, K. M. (2019). "Food Insecurity and Social Capital Among Middle School Students". *Youth & Society*, 51(8), 1127-1144. <https://doi.org/10.1177/0044118X17725460>.
- Wills, W., Backett-Milburn, K., Roberts, M.-L., Lawton, J. (2011). "The Framing of Social Class Distinctions through Family Food and Eating Practices". *The Sociological Review*, 59(4), 725-740. <https://doi.org/10.1111/j.1467-954X.2011.02035.x>.